

زمان‌شناسی در بازسازی سرمایه اجتماعی



محمدتقی احمدی
رئیس دانشگاه
تربیت مدرس

یادداشت

سرمایه اجتماعی یک اصل بسیار مهم و تأثیرگذار در حوزه اجتماعی محسوب می‌شود که باید در طول زمان به سمت بهبود حرکت کند. به عبارتی باید اقدامات و سیاست‌های اجرایی در جهت تقویت و نه تضعیف آن تبیین شود. به هر حال سرمایه اجتماعی در طول زمان با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو بوده که متأثر از عوامل داخلی و خارجی است. اما اینکه این عوامل کدام است و تا چه اندازه توانسته و می‌تواند بر سرمایه اجتماعی جامعه ایران تأثیر بگذارد و چه راهکارهایی باید برای خنثی کردن آن پیش‌بینی شود، می‌تواند و بهتر است در جلسات تخصصی به بحث و تفسیر گذاشته شود. ممکن است سوء تفاهم‌هایی هم در این زمینه وجود داشته باشد، اما مسأله مهم این است که همه ما در سطح خرد و کلان باید به این درک مهم برسیم که سرمایه اجتماعی یک اصل مهم برای انسجام و همبستگی در جامعه است که احیا و بازسازی آن نیاز به یک اقدام مقتدرانه، ضرب‌الاجلی و با برنامه علمی و نگاه تخصصی دارد. بسپار ضروری است که در این زمینه در زمان مناسب ورود کنیم، بنابراین بحث‌های کلی و نظری درباره این سرمایه مهم بی‌فایده است. متأسفانه در دوران تحریم، آسیب زیادی به بدنه سرمایه اجتماعی کشور وارد شده است که می‌تواند در این زمینه تصمیم محکم، قاطع و فوری گرفته شود. ما در دوره‌هایی با سرمایه اجتماعی در سطح بسیار بالایی روبه‌رو بودیم، اما در طول سال‌های گذشته بحث‌های اقتصادی، گرانی‌ها، نوسان بازار و تحریم‌های خارجی لطمات جدی بر پیکره سرمایه اجتماعی کشور وارد کرده است. خوشبختانه در دوره جدید بازسازی و تقویت مسأله اجتماعی و اعتماد عمومی از همان ابتدا جزو دغدغه‌های اصلی دولت بوده و در شعارها و برنامه‌ها نیز مکرر مطرح شده است، اما باید توجه داشته باشیم که برای بازسازی آن به نقش راه و برنامه اقدام نیاز داریم که البته لازم است در این زمینه نیز به طور جدی به این موضوع ورود کنیم. به هر حال تضعیف سرمایه اجتماعی تبعات منفی و آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت، و همین علت تأکید دارم که بگویم باید سیاست‌های اجرایی دقیقی برای آن تبیین کرد. نکته مثبت و قابل توجه اعتقادی است که هم اکنون در هیأت دولت برای بررسی و رسیدگی به این مسأله وجود دارد، اما همه تلاش‌ها و همت مسئولان باید به سمت روش‌های اجرایی و راهکارهایی تقویت‌کننده برود. ما در دانشگاه تربیت مدرس پروژه‌ای علمی، تخصصی و مبتنی بر آمار و ارقام دقیق درباره سرمایه اجتماعی آماده کرده‌ایم که آمادگی داریم آن را در اختیار تیم مطالعاتی دولت جدید قرار دهیم. البته در دوره گذشته نیز گزارش عملیاتی و سیاست‌های اجرایی این برنامه در اختیار دولت وقت قرار گرفت. این برنامه منکّی بر مطالعات علمی و تحقیقاتی و کاملاً مستند است و با همکاری وزارت کشور انجام شده است. براساس این پروژه که البته جزئیات و محتوای آن کاملاً محرمانه است و صرفاً می‌توان به صورت کلی درباره آن اظهار کرد، اما براساس کلیات می‌توانیم بگوییم که ما در حوزه سرمایه اجتماعی در آینده جای پیشرفت و امید داریم و از طرفی اگر به این داده‌ها و تحقیقات علمی توجه نکنیم، جای نگرانی وجود دارد که از نظر محتوایی پیشرفتی نداشته باشیم. در هر صورت به تبیین سیاست‌های اجرایی نیازمندیم. اگرچه نقشه راه و سیاست‌های اجرایی آن را مشخص و تبیین کرده‌ایم که می‌توانیم نتایج آن را در اختیار تیم تحقیقاتی دولت سیزدهم قرار دهیم. این پروژه حاصل تجربیات چندین ساله و تلاش شبانه روزی و مستمر تعدادی از محققان طی دو سال است که به ترتیب و تفکیک نقش و سهم هر وزارتخانه، سازمان و نهاد عمومی در احیا و تقویت سرمایه اجتماعی مشخص و تعیین شده است. البته ما اطلاعات و نتایج این تحقیق بزرگ و مستند را در اختیار معاون وقت رئیس جمهوری نیز قرار دادیم. حتی جلسات اولیه را هم برگزار کردند، اما از آنجا که این اتفاق در سال آخر دولت افتاد، موضوع ادامه نیافت. اگرچه باور اینکه قدم‌های اجرایی ضروریست در سطوح بالا نیز تبیین و تأیید شد. در حال حاضر آمار و جزئیات دقیقی از این موضوع در دسترس است، اما بهتر است که در جلسات مدیریتی به بحث گذاشته شود.



سجاد مغفوری / ایران

گفت‌وگو با حسین ایمانی جاجرمی جامعه‌شناس درباره وضعیت سرمایه اجتماعی

قطب‌بندی در اعتماد اجتماعی

حمیده امینی فرد

خبرنگار

نگاهی به وضعیت اقتصادی این روزهای جامعه ایران به رغم اینکه قدم‌هایی برای اصلاح وضع موجود از سوی دولت جدید برداشته شده است، اما گواهی تحت تأثیر قرار گرفتن مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی از شرایط اقتصادی مردم است. حالا ما با دو سؤال مهم مواجهیم. آیا وضعیت گرانی‌ها و هرج و مرج بازار طی سال‌های اخیر توانسته براعتما د عمومی و سرمایه اجتماعی تأثیرمستقیم بگذارد؟! و آیا تقویت و تضعیف مؤلفه‌های اجتماعی از جمله انسجام ملی، هماهنگی و هم‌افزایی با وضعیت اقتصادی مردم گرّه خورده است؟! برخی بر این باورند که خوش‌بینی مردم نسبت به آینده طی سال‌های گذشته تحت تأثیر همین عامل قرار گرفته و کمرنگ شده و در نهایت به ناامیدی مردم نسبت به اصلاح وضع موجود ختم شده است. درمقابل

عده‌ای معتقدند که سرمایه اجتماعی فاکتوری نیست که براحتی بتواند تحت تأثیر عوامل دیگر قرار بگیرد و اگر جامعه‌ای در طول دوران‌ها و بحران‌های مختلف با سرمایه اجتماعی تقویت شده‌ای که مبتنی بر دموکراسی و آرای مردمی است مواجه باشد به این راحتی‌ها نمی‌توان آن را از بطن جامعه حذف کرد. با وجود این دیدگاه سومی هم وجود دارد؛ عده‌ای می‌گویند که اساساً آمارو ارقام رسمی، موجه و ثبت شده‌ای در فضای عمومی برای ارزیابی میزان اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی وجود ندارد که بتوان براساس آن تخمین زد که وضعیت‌مان از این نظر خوب است یا نه؟ و تا وقتی چنین آمار شفاف و در دسترس وجود نداشته باشد نمی‌توان به صراحت گفت که ما نسبت به گذشته با کاهش سرمایه اجتماعی مواجه شده‌ایم و یا با افزایش! بنابراین اگر قرار باشد بر اساس الگوی مشخص و دقیقی از وضعیت‌مان در آینده دور یا نزدیک در این زمینه بحث کنیم نیاز داریم که این آمار در دسترس باشد. اگرچه برخی متخصصان و کارشناسان اجتماعی

مافیایی هم از سرمایه اجتماعی برخوردارند پس نمی‌توانیم بگوییم همه نوع سرمایه اجتماعی برای جامعه مفید است.

■ می‌توان به این نتیجه رسید که نوع مناسب سرمایه اجتماعی همان سرمایه پیوند زنده است که اشاره کردیم هم اکنون بشدت به آن نیاز داریم؟

دقیقاً نوع مناسب همان سرمایه اجتماعی پیوند زنده است که خب شرایطی را می‌طلبد. به عبارتی افراد باید بتوانند در سطحی بالاتر از طبقه یا گروه اجتماعی یا تمام آن دسته بندی‌هایی که آنها را محدود می‌کند؛ درسطحی عام بهم متصل شده؛ به یکدیگر علاقه‌مند شوند؛ باهم تعامل داشته باشند و احترام بگذارند. جالب اینکه این نوع سرمایه اجتماعی، نیازمند آزادی و تساهل است که اگر در جامعه‌ای وجود نداشته باشد در نهایت به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی پیوند زنده ضربه می‌زند.

نکته مهمی که باید در بحث سرمایه اجتماعی به آن توجه شود؛ دیدگاهی است که یک جامعه شناس سوئدی در کتاب «دام‌های اجتماعی» ترجمه دکتر محمد فاضلی به آن اشاره می‌کند. این جامعه شناس تأکید دارد که تقویت اعتماد اجتماعی و شکل‌گیری سرمایه اجتماعی را نمی‌توان فقط از جامعه مدنی انتظار داشت. به عبارتی وزنه را به سمت دولتها می‌برد و می‌گوید که نقش دولت‌ها بسیار مهم است؛ اما اینکه چطور دولت می‌تواند به تقویت سرمایه اجتماعی کمک کند از دو جنبه قابل بحث است. اول موضوع شفافیت است. یعنی هرچقدر دولت شفاف بوده؛ عملکرد آن در رویت مردم باشد و دلایل تصمیمات آن روشن باشد؛ مشارکت از دل این شفافیت بیرون می‌آید. یعنی درنظام مشارکتی از آنجاکه همه چیز در آن مورد بحث قرار می‌گیرد؛ شفافیت نمود پیدا نمی‌کند. بنابراین شفافیت نیازمند یک نظام مشارکتی است. البته منظور از دولت؛ معنای عام آن است و بخش خصوصی و بخش غیر دولتی را هم شامل می‌شود. اگرچه دولت بازبگر قوی‌تری است؛ اما نمی‌توان بحث را فقط محدود به دولت کرد؛ هم اکنون بنیادها و مؤسسات خصوصی با منابع مالی قدرتمند مشغول فعالیتند که خارج از نظارت دولت هستند.

از طرفی نمی‌توان از این نکته غافل شد که شفافیت نشان دهنده میزان فساد موجود است.

■ از نظر شما سرمایه اجتماعی در جامعه ایران چه وضعیتی دارد؟ می‌توانیم با نگاه خوشبینانه بگوییم که دروضع مناسبی هستیم یا نه برعکس باید وضعیت را هشدار آمیز تلقی کنیم؟

هر تحلیل درست و دقیقی نیازمند «داده» است؛ درست مثل نظری که یک پزشک متخصص بعد از دیدن آزمایش‌های تخصصی ارائه می‌دهد. اگر دقت کرده باشید در پزشکی مدرن بیمار در ابتدا به آزمایشگاه فرستاده می‌شود و سپس براساس نتیجه آزمایش؛ فرایند درمان آغاز می‌شود. در حوزه مسائل اجتماعی نیز همین نگاه باید وجود داشته باشد. یعنی در آن حوزه‌هایی که به سیاستگذاری گرّه خورده است از جمله همین سرمایه اجتماعی که در اساس مفهومی برای سیاستگذاری تلقی می‌شود؛ نیازمند داده هستیم. اما به نظرمی‌رسد که داده‌های سرمایه اجتماعی عمدتاً محرمانه تلقی می‌شود. البته شخصاً به این داده‌ها دسترسی دارم؛ اما نمی‌توانم درباره آنها آشکارا صحبت کنم. معتقدم برای آن بین بردن سوء تفاهم‌ها بهتر است کسی که مسئولیت قانونی دارد صحبت کند و البته بهتر است نتایج این داده‌ها به‌طور سالانه انتشار عمومی پیدا کند تا براساس نتایج آن وضعیت سرمایه اجتماعی پیش‌بینی شود. البته ممکن است مشکلاتی در مفهوم‌پردازی و ساخت سازه‌های تحقیق وجود داشته باشد؛ به هر حال در نمونه‌گیری همیشه احتمال خطا وجود دارد که باید اصلاح شود که اتفاقاً به اعتقاد من انتشار گزارش شفاف موجب اصلاح آن می‌شود.

■ بنابراین برای ارائه یک ارزیابی دقیق نیازمند انتشار داده‌های پیمایش سرمایه‌های اجتماعی هستیم؛ اما تا این اتفاق بیفتد به هر حال می‌توانیم از روی برخی گزاره‌ها به نتایجی هرچند بحث برانگیز برسیم این‌طور نیست؟

خب بدون یک ارزیابی کارشناسی دقیق می‌توان براساس گزارش‌های قبلی و وضعیتی که در گفت‌مان‌های عمومی و مباحثی که نجنگان و عوام در فضاهای اجتماعی مثل توئیتر منتشر می‌کنند به نتایجی رسید. براین اساس می‌توانم بگویم ما با نوعی قطب‌بندی در اعتماد اجتماعی مواجهیم. حتی در مباحث کلان‌تر سرمایه اجتماعی ما شاهد این دو پارگی هستیم. یعنی هر چه زمان گذشته به نوعی میانه طیف تحلیل رفته است و افراد قطبی شده‌اند. به این معنا که مبنای قضاوت و اعتماد به افراد چندان براساس شاخص‌ها و داده‌های عینی نیست. یعنی برای مثال در گذشته اگرقرار بود درباره عملکرد یک سازمان قضاوت کنیم؛ این اعتماد را براساس فکت و داده‌های واقعی انجام می‌دادیم؛ اما اکنون به نظر می‌رسد که دیدگاه‌ها قطبی شده است و اعتنای چندانی به داده‌های واقعی نمی‌شود. به نظر می‌رسد این وضعیت دوام پیدا کرده و نگران‌کننده شده است.

■ درحقیقت شما معتقدید که طیف میانه یا به نوعی همان اعتدال‌گرا از بین رفته است و مادچار دیدگاه‌های افراط و تفریطی شده‌ایم؟

بله البته نکته مهم اینجاست که از بین رفتن طیف میانه یا نگاه‌های معتدل برای هر جامعه‌ای یک وضعیت بحرانی تلقی می‌شود. چون کارکرد جامعه نیازمند دیدگاه‌های متعادل و به عبارتی افرادی است که در وسط طیف قرار گرفته و سعی می‌کنند که قضاوت منصفانه داشته باشند و از قضاوت‌های از پیش تعیین شده و یا پیشداوری‌ها پرهیز کنند. البته اینها همه بحث‌های نظری است و ممکن است که درواقعیت فرق داشته باشد. اما به نظر می‌رسد که ما دچار این وضعیت شده‌ایم.

■ این دو پارگی و قطب‌بندی طبیعی چه خطراتی دارد؟

با وجود این دو پارگی ما شاهد از بین رفتن سرمایه اجتماعی پیوند زنده می‌شویم و در مقابل نوع دیگری از سرمایه اجتماعی که محدود کننده است و به گروه‌های کوچکتر و جمع‌های پراکنده‌تر تعلق دارد که ارتباطات درونی قوی‌تری دارند؛ بیشتر رشد می‌کند که این خود نشان دهنده یک وضعیت بحرانی است.

■ با این توصیف چطور باید سرمایه اجتماعی را تقویت کرد؟

نکته‌ای که باید مد نظر قرار دهیم این است که از طرح سرمایه اجتماعی در دنیا چند سالی می‌گذرد و کشورهایی که جلوتر از دیگران به دنبال این بحث بودند؛ تلاش کردند در سیاستگذاری‌ها آن را مورد توجه قرار دهند؛ اما هم اکنون بحث‌های جدی تری مطرح است و به‌نظر می‌رسد که این مباحث کامل‌تر شده است. مثلاً در کتاب «کاخ‌هایی برای مردم» که ترجمه کرده بودم از مفهومی به‌نام «زیرساخت اجتماعی» استفاده می‌شود که برای بحث سرمایه اجتماعی ضروری است. به یک معنا اگر زیرساخت‌ها و بستر تعاملات اجتماعی را فراهم نکند نمی‌توانید انتظار تولید سرمایه اجتماعی داشته باشید. پس یک اقدام بسیار مهم تقویت زیرساخت‌های اجتماعی است. نکته دوم این است که باید نوع سرمایه اجتماعی را که به نفع جامعه است بشناسیم. چون همان‌طور که می‌دانید سرمایه اجتماعی انواع متفاوتی دارد و ما حتی با نوع منفی آن هم مواجهیم. مثلاً گروه‌های بزه‌کار و خلافکار

اگر اقلیتی که در طیف میانه هستند و بخواهند دوری منصفانه‌ای داشته باشند قطعاً نمره خوبی به عملکرد وزارت بهداشت در دولت گذشته نمی‌دهند چون چهره عمومی خوبی از خود نشان ندادند و ظرفیت‌های زیادی به علت تعلل از دست رفت. درباره شهرداری‌ها در دوره قبل نیز می‌توان همین مثال را زد. چون نقش و سهم شهرداری‌ها در دوران کرونا بخوبی تبیین نشده و مشخص نبود درحالی‌که سازمان‌های محلی و مردم نهاد در برخی کشورها در این دوران پررنگ ظاهر شده و قوی عمل کردند که خب تأثیر آن در حوزه اعتماد اجتماعی مشخص خواهد شد.

■ از نظر شما راهکارهای امیدافزایی برای تقویت سرمایه اجتماعی چیست؟

خب اگر تحلیل قطبی شدن جامعه را که در ابتدا اشاره کردم؛ بپذیریم صحبت کردن درباره جلب اعتماد سخت می‌شود. به هر حال قرار گرفتن افراد در موضعی که بتوانند انصاف را رعایت کنند؛ نیازمند تغییرات گسترده است که در حال حاضر برای آن دورنمایی وجود ندارد چون طبقه متوسط مدرن از سیاستگذاری‌های رسمی فاصله گرفته است. اساساً جامعه نمی‌تواند دو پاره یا چند پاره باشد؛ همه جوامع تلاش می‌کنند تا انسجام داشته باشند. به هر حال هرچقدر این انسجام بیشتر باشد به تبع آن اعتماد اجتماعی هم افزایش می‌یابد و برعکس آن هم صادق است. با کاهش اعتماد اجتماعی؛ انسجام اجتماعی هم افت می‌کند و می‌تواند یک دور باطل داشته باشد. من فکر می‌کنم تا حد زیادی باید سیاست‌ها تغییر کند؛ باید تنوع پذیرفته شود. مسأله اقتصاد باید حل شود. تورم و حشنتاک به خانواده‌ها صدمه زده است و افراد را گرفتار کرده است. ما باوجود تلاش دولت جدید همچنان در وضعیت خوب اقتصادی قرار نداریم و در این شرایط جامعه دچار فرسایش و زوال اجتماعی می‌شود. چون بسیاری از کارکردهای معمول که باید باشد از کار افتاده است مثل روغنی که چرخ حرکت را نرم می‌کند. جالب اینکه اعتماد را هم به روغن و چسب تشبیه کرده‌اند که موجب می‌شود افراد به هم متصل شوند. شما فرض کنید که اقتصاد مثل روغن و اعتماد و سرمایه اجتماعی هم مثل چسبی است که افراد را در کنار هم قرار می‌دهد؛ الا آن روغن و چسب محدود شده است و باید برای آن فکری کرد.

مسأله سوم مسأله کارآمدی است. یعنی با چه توان در چه زمان و با چه هزینه‌ای مسائل جامعه را حل می‌کنید. این هم بحث روشنی است. اول نباید اجازه تولید بحران داده شود و اگر هم بحرانی تولید شد باید چگونگی حل و فصل آن مشخص شود. یک مثال واضح از این بحث؛ بحران کروناست. شما دیدید که در ابتدا اغلب کشورها غافلگیر شدند اما برخی بتدریج خودشان را پیدا کردند و کم‌کم عملکرد کشورها نشان داد که با یکدیگر متفاوتند. مثلاً ژاپن، نیوزیلند و چین در کم‌ترین زمان ممکن وضعیت را سامان دادند؛ اما برخی کشورها مثل برزیل و حتی آمریکا در زمان ترامپ نتوانستند عملکرد خوبی به نمایش بگذارند و درحوزه کارآمدی دچار چالش شدند. بحث کارآمدی از آنجا مهم است که با اعتماد مرتبط است. قطعاً دولت‌های عاری از فساد می‌توانند اعتماد بیشتری جلب کنند.

■ و در مورد ایران چطور؟

در کشورما مسأله به شکل سینوسی است. یک زمانی بالاست و یک موقع پایین است که به موضع‌گیری و عملکرد مسئولان مرتبط است. اما این نوسان خوب نیست؛ چون امکان شکل‌گیری اعتماد را سخت می‌کند.

■ بسیاری کرونا و نحوه مدیریت آن و البته روند واکسیناسیون که در ماه اخیر شدت گرفته تاچه اندازه بر تقویت و تضعیف اعتماد اجتماعی تأثیر گذاشته است؟

در مجموع اگر بخواهیم کل فرایند را ببینیم من می‌توانم یک دور باطل داشته باشم. من فکر می‌کنم تا حد زیادی باید سیاست‌ها تغییر کند؛ باید تنوع پذیرفته شود. مسأله اقتصاد باید حل شود. تورم و حشنتاک به خانواده‌ها صدمه زده است و افراد را گرفتار کرده است. ما باوجود تلاش دولت جدید همچنان در وضعیت خوب اقتصادی قرار نداریم و در این شرایط جامعه دچار فرسایش و زوال اجتماعی می‌شود. چون بسیاری از کارکردهای معمول که باید باشد از کار افتاده است مثل روغنی که چرخ حرکت را نرم می‌کند. جالب اینکه اعتماد را هم به روغن و چسب تشبیه کرده‌اند که موجب می‌شود افراد به هم متصل شوند. شما فرض کنید که اقتصاد مثل روغن و اعتماد و سرمایه اجتماعی هم مثل لطمات سنگینی دیده است؛ هم بخشی از این هزینه‌هاست که به علت تأخیر در واکسیناسیون اتفاق افتاده است و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت.



هرچقدر این انسجام بیشتر باشد

به تبع آن اعتماد اجتماعی هم

افزایش می‌یابد و برعکس آن هم

صادق است. با کاهش اعتماد

اجتماعی؛ انسجام اجتماعی هم

افت می‌کند و می‌تواند یک دور

باطل داشته باشد